

مواجهه با تکثر آرا در دیدگاه انقلاب

جامعه تک‌صدا جامعه مرده است



تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

از جمله نتایج پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فراهم شدن زمینه ابر از عقاید و سلیقه‌های متفاوت و حتی متعارض در حوزه‌های مختلف موضوعی اعم از سیاست، اقتصاد، مسائل فرهنگی و… است. این تعارض نظرات تا آنجا پیش می‌رود که نظر به‌های مختلف در خصوص یک موضوع از حیث محتوایی گاه کاملاً مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند اما طبیعتاً رویکرد فضای باز در ابر از عقاید با همه محسناش به صورت بالقوه می‌تواند جامعه را از حیث هدایت عمومی با اختلال مواجه نماید. همین آسیب‌های تبعی ایجاد فضای تکثر آرا، منجر به شکل‌گیری دو گونه رویکرد متفاوت در نسبت با آنها در تفکر جمهوری اسلامی شده است. رویکرد نخست سیاست تثبیت‌گر است که حضور اختلاف آرا را منتج به سلب امنیت تلقی و یکرنگی اجتماعی را توصیه می‌کند. رویکرد دوم نیز اعتقاد به بازگذاشتن فضا برای اعمال هر گونه نظر دارد. اما رویکرد سومی را می‌توان در ادبیات رهبران انقلاب اسلامی سراغ گرفت که به‌رغم تأکید بر ثبات جامعه و پرهیز از آسیب‌های ناشی از ادبیات مغل وفاق عمومی، ضرورت تکثر و اختلاف آرا را نیز در فضای اجتماعی در نظر می‌گیرند. در ادامه امکان‌سنجی رویکرد اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

رویکرد یکسان‌اندیشی

یکی از رویکردهای حاکم بر برخی نظامات سیاسی تلاش برای رساندن جامعه به راهی و نظیر واحد در خصوص باورها و ایدئولوژی است. این نوع گرایش که اغلب در سیستم‌های دیکتاتوری، فاشیستی یا گاه سوسیالیستی قابل مشاهده است،بستر را برای پذیرش نظرات مختلف فراهم نمی‌کند و صرفاً پذیرنده نظرات در حدود و مرزهای ایدئولوژی حکومت است.

برخی حامیان این نگرش بر این باورند که رسیدن به وحدت اجتماعی صرفاً با همانندسازی تفکرات و وجود چشم‌انداز واحد برای نظریاتی است که قرار است توسط صاحبان قلم و سخن در سطح جامعه پرانکده شود. طبعاً رویکردی که تنها مسیر وحدت حرکت را وحدت نظرات می‌نگارد، اجازه طرح نظرات ناهمگون با ایدئولوژی غالب را نمی‌دهد یا تا حد ممکن آن را محدود می‌سازد تا از رهگذر طرد تفکرات معارض و بررنگ کردن خطوط قرمز اندیشه، جامعه‌ای یکدست و با هدفی یکسان و هماهنگ شکل دهد.

یکی دیگر از موضوعاتی که بر برخی را به این سمت سوق می‌دهد نگرانی برای تثبیت وضعیت سیاسی و اجتماعی و احتمال ایجاد مخاطره امنیتی به تبع طرح موضوعات مخالف ایدئولوژی حاکم است، لذا اولویت خود را نظم سیاسی در نظر می‌گیرد و سعی می‌کند عوامل برهم زننده آن را تا حد امکان بکاهد.

در واقع این گرایش می‌کوشد با ابزار تنظیم گرایش‌های ایدئولوژیک توسط قدرت و اکراه ولو به قیمت به حاشیه رفتن یا طرد برخی جریانات فکری به ایجاد نظمی بپردازد که الزاماً مبتنی بر اراده همه گروه‌ها نیست.

تکثرگرایی

اندیشه تکثرگرایی نظریه‌ای است که بسیاری از اندیشمندان غرب مدرن برای رهایی مردم از جنگ جنجال‌های فکری یا دینی ارائه نمودند و مبتنی بر آن کثرت نظرات و عقاید بدون هر گونه حد و مرز در جامعه باید به رسمیت شناخته شود. نظامات سیاسی لیبرال عمدتاً حدود آزادی عقاید خود را مبتنی بر تکثرگرایی پایه‌ریزی می‌کنند.

در نگاه تکثرگرایانه نمی‌توان و نباید به دنبال کشف حقیقت واحد از میان نظرات بود و اختلاف آرا تا بالاترین سطح اعتقادی قابل طرح است.

تکثرگرایی ادعا دارد زمینه را برای ابراز نظرات مختلف و حتی معارض باز می‌گذارد و از آنجا که امکان قضاوت ارزشی میان آنها وجود ندارد، در نتیجه هر ایده‌ای که جامعه پیشتر به آن اقبال کند مملاک اعمال نظر قرار

خواهد گرفت.

البته قابل ذکر است نظام سیاسی لیبرال گرچه از حیث معرفتی و نظری خود را ملتمز به پلورالیسم می‌داند اما در عمل نشان داده است چارچوب خود را برای تکثرگرایی اعمال می‌کند. بسیاری از اصول مکتب سرمایه‌داری به عنوان خط قرمز شمرده شده و نظراتی که در نقد این نظام مطرح می‌شود، هیچ‌گاه فرصت عینیت و در معرض رأی مردم قرار گرفتن نمی‌یابد.

وفاق در پرتضارب آرا

رویکردی که متصل به ایدئولوژی انقلاب اسلامی و توسط رهبران آن تبلیغ می‌شود هیچ یک از دو مدل بالا را به صورت کامل تأیید نمی‌کند. از یکسو تک‌صدایی و یگانگی ایدئولوژی را به صورت الزام و انسداده فکری بر نمی‌تابد و از سوی دیگر موضوع امنیت و ثبات را به عنوان موضوعی واجد اهمیت می‌داند که در قالب تکثر آرا نباید اجازه داده شود ماهیت حرکت انقلاب دچار اختلال گردد.

اهمیت مهبستگی اجتماعی و ایجاد وحدت در جامعه به رویکرد دینی انقلاب بازمی‌گردد. دین اسلام چنانچه در قرآن و روایات اشاره شده است مهبستگی و ایجاد وفاق را مکرر با به عنوان اصلی اساسی مطرح می‌کند که معروف‌ترین توصیه قرآن در این زمینه آیه شریفه «و اعصموا بحبیل الله جمیعاً و لاتفرقوا» است. حضرت امیر(ع) در کتاب شریف نهج‌البلاغه خود را با صفت حریص نسبت به یکپارچگی جامعه بیان می‌نماید: «در امت اسلام، هیچ کس همانند من وجود ندارد که به وحدت امت محمد (ص) از من حریص‌تر و انس او نسبت به مهبستگی جامعه از من بیشتر باشد. من از این کار، پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می‌طلبم.»

حال سؤال اینجاست که آیا لازمه شکل‌گیری اتحاد و انسجام یکرنگی و پیروی همه افراد جامعه از تفکری واحد و قرانتی رسمی است؟ یعنی همه گروه‌های فکری باید همچون نظامی تک حزبی به یک مدل ببندیشند و صرفاً در چارچوب عقاید حزب حاکم ارائه نظر نمایند؟ به نظر می‌رسد پاسخ بنیانگذار انقلاب اسلامی به این سؤال منفی است. از نگاه ایشان وفاق و اتحاد آن هنگام



حدود تکثر آرا

دو سؤال مهم اینجا مطرح است؛ اول آن که آیا وجود تکثر آرا نمی‌تواند برای ثبات کشور مخاطره ایجاد کند؟ و دوم اینکه آیا حد و مرزی در تفکر انقلاب برای ابراز نظرات قائل هستیم یا خیر؟

در پاسخ به سؤال نخست باید گفت اتفاقاً در نگرش انقلاب، توسعه و پیشرفت محصول مشارکت عموم مردم با تفکرات متفاوت و شکل‌گیری وفاق اجتماعی بر سر

اندیشه

جامعه تک‌صدا؛ جامعه‌ای است مرده و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه زمانی می‌تواند اثر بخش باشد که سایر نظرات نیز شنیده شود و سخن و مکتب حق در تناظر با سایر اقوال، خود را بروز دهد

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

تصویر: مجید کرمی/پایگاه خبری تحلیلی تابناک

اشتراکات است. در این نگرش، وجود هر گرایش فکری با اندیشه‌های مختلف و نیز تضارب آرا نه تنها حاکمیت را بی‌ثبات نمی‌کند بلکه حتی اگر در نقد یا نفی روش حکومت نیز باشد منجر به اصلاح و تقویت حاکمیت می‌شود. به همین دلیل حکومت برای حفظ مشروعیت خود هم که شده، موظف به رعایت حقوق همه تفکرات و اقلیت‌های فکری است.

استاد شهید مطهری با تعبیری زیبا در پاسخ به نگرانی‌ها در خصوص تبعات تکثر آرا می‌نویسد: «وجود افراد شکاک و افرادی که علیه دین سخنرانی می‌کنند، وقتی خطرناک است که حامیان دین آنقدر مرده و بی‌روح باشند که در مقام جواب بر نیایند؛ یعنی عکس‌العمل نشان ندهند. از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن به افکار و مواجهه صریح و روشن با آنها».

در همین جا می‌توان نکته مهمی استخراج نمود و آن ضرورت پاسخ علمی و آزاد به نظرات افراد دگراندیش در جامعه است. قاعداً زمانی که افرادی در سطح جامعه و تراز نخبگان وجود نداشته باشند که مدعای دگراندیشان را مستدل و منطقی یا قلم و سخن خود پاسخ گویند؛ رفته‌رفته تفکراتی که چه بسا نسبیستی با حقایقت نیز نداشته باشد به عنوان نظرات فراگیر در جامعه طرفدار خواهد یافت، لذا باب آزادی اندیشه که انقلاب اسلامی برای همه گروه‌ها باز می‌کند وظیفه را برای نخبگان حامی انقلاب دشوار می‌سازد و مستولیت آنان را در پاسخ به شبیهات یا پذیرش تفکدهای منجر به اصلاح از سوی همه گروه‌ها و مکاتب فکری مضاعف می‌نماید.

در پاسخ به سؤال دوم نیز باید اشاره کرد مرز تکثر آرا تا جایی است که یک ایدئولوژی یا تبلیغات خود قصد توطئه علیه نظام نداشته باشد و منجر به تبلیغ فخر و الحاد، انحراف و اضلال مؤمنان و توهین به مقدسات یا بدعت و تشریع نگردد.

بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی در تشریح حدود آزادی اندیشه در حکومت اسلامی می‌فرماید: «هر دم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی که توطئه در کار نباشد مسائلی را عنوان نکنند که نسل ایران را منحرف کند. البته باید دقت کرد توطئه انگاری نباید در پذیرش تفکرات وجود داشته باشد و به بیان بهانه که تفکرات غیررسمی یا معارض ایدئولوژی حکومت بوی توطئه می‌دهد جلوی همه نظرات متفاوت گرفته نشود. امام خمینی (ره) حتی در تشریح حدود آزادی، مارکسیست‌ها را که از تفکری الحادی برخوردارند در بیان مطالب خود تا زمانی که توطئه‌ای از سوی ایشان در کار نباشد آزاد می‌دانند: «در جامعه‌ای که ما به فکر استقرار آن هستیم، مارکسیست‌ها (هم) در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود زیرا ما اطمینان داریم که اسلام دربردارنده پاسخ به نیازهای مردم است. ایمان و اعتقاد ما قادر است با ایدئولوژی آنها مقابله کند. در فلسفه اسلامی از همان ابتدا مسئله کسانی مطرح شده است که وجود خدا را انکار می‌کرده‌اند. ما هیچ‌گاه آزادی آنها را سلب نکرده و به آنها لطمه وارد نیآورده‌ایم. هر کس آزاد است که اظهار عقیده کند و برای توطئه کردن آزاد نیست.»

برایند سخنان فوق نشان می‌دهد رویکرد انقلاب اسلامی و رهبران آن در قبال تکثر آرا ارائه نظرات مخالف قرائت رسمی، رویکردی است همراه با سعه صدر و البته قید ملاحظات که منجر به توطئه و مخل امنیت نباشد، لذا هر دو گروهی از روشنفکران یا صاحبزنان درون حکومت که روش خود را مبتنی بر محدودیت آزادی نظرات یا از سوی دیگر بستر دادن به توطئه‌گران برای طراحی جنگ روانی علیه نظام ابتنا نماید در تفکر انقلابی مردود است. گرچه مرز سخن آزاداندیشانه معارض قرائت رسمی با سخن توطئه آمیز باید شفاف‌تر شود و با بحث آزاد در عموم و میان صاحبان قلم و سخن به جمع‌بندی دقیق تر برای عدم اعمال سلیقه‌ای این چارچوب برسد.

متن زیر یادداشتی از محمد فناپی

اشکوری استاد حوزه و دانشگاه در تمایز میان حکمت و فلسفه است که ایشان

در فضای مجازی منتشر کرده است.

حکمت مساوی با فلسفه نیست، فلسفه عقل ورزی نظری است. فلسفه ارسطو و فلسفه کانت دو نمونه از فلسفه هستند.

حکمت (خردمندی یا فرزانیگی) واجد این بعد است، اما در آن خلاصه نمی‌شود. افزون بر خردورزی نظری، حکمت دو بعد دیگر

نیز دارد: بهره‌مندی از وحی و برخورداری از شهود. خردورزی حکیم او را به محدودیت عقل و ضرورت روآوردن به دین حق رهنمون می‌سازد. حکیم در کنار بهره‌گیری از عقل خود هم که شده، موظف به رعایت حقوق همه تفکرات و اقلیت‌های فکری است.

استاد شهید مطهری با تعبیری زیبا در پاسخ به نگرانی‌ها در خصوص تبعات تکثر آرا می‌نویسد: «وجود افراد شکاک و افرادی که علیه دین سخنرانی می‌کنند، وقتی خطرناک است که حامیان دین آنقدر مرده و بی‌روح باشند که در مقام جواب بر نیایند؛ یعنی عکس‌العمل نشان ندهند. از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن به افکار و مواجهه صریح و روشن با آنها».

استاد شهید مطهری با تعبیری زیبا در پاسخ به نگرانی‌ها در خصوص تبعات تکثر آرا می‌نویسد: «وجود افراد شکاک و افرادی که علیه دین سخنرانی می‌کنند، وقتی خطرناک است که حامیان دین آنقدر مرده و بی‌روح باشند که در مقام جواب بر نیایند؛ یعنی عکس‌العمل نشان ندهند. از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن به افکار و مواجهه صریح و روشن با آنها».

در همین جا می‌توان نکته مهمی استخراج نمود و آن ضرورت پاسخ علمی و آزاد به نظرات افراد دگراندیش در جامعه است. قاعداً زمانی که افرادی در سطح جامعه و تراز نخبگان وجود نداشته باشند که مدعای دگراندیشان را مستدل و منطقی یا قلم و سخن خود پاسخ گویند؛ رفته‌رفته تفکراتی که چه بسا نسبیستی با حقایقت نیز نداشته باشد به عنوان نظرات فراگیر در جامعه طرفدار خواهد یافت، لذا باب آزادی اندیشه که انقلاب اسلامی برای همه گروه‌ها باز می‌کند وظیفه را برای نخبگان حامی انقلاب دشوار می‌سازد و مستولیت آنان را در پاسخ به شبیهات یا پذیرش تفکدهای منجر به اصلاح از سوی همه گروه‌ها و مکاتب فکری مضاعف می‌نماید.

در پاسخ به سؤال دوم نیز باید اشاره کرد مرز تکثر آرا تا جایی است که یک ایدئولوژی یا تبلیغات خود قصد توطئه علیه نظام نداشته باشد و منجر به تبلیغ فخر و الحاد، انحراف و اضلال مؤمنان و توهین به مقدسات یا بدعت و تشریع نگردد.

بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی در تشریح حدود آزادی اندیشه در حکومت اسلامی می‌فرماید: «هر دم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال، مادامی که توطئه در کار نباشد مسائلی را عنوان نکنند که نسل ایران را منحرف کند. البته باید دقت کرد توطئه انگاری نباید در پذیرش تفکرات وجود داشته باشد و به بیان بهانه که تفکرات غیررسمی یا معارض ایدئولوژی حکومت بوی توطئه می‌دهد جلوی همه نظرات متفاوت گرفته نشود. امام خمینی (ره) حتی در تشریح حدود آزادی، مارکسیست‌ها را که از تفکری الحادی برخوردارند در بیان مطالب خود تا زمانی که توطئه‌ای از سوی ایشان در کار نباشد آزاد می‌دانند: «در جامعه‌ای که ما به فکر استقرار آن هستیم، مارکسیست‌ها (هم) در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود زیرا ما اطمینان داریم که اسلام دربردارنده پاسخ به نیازهای مردم است. ایمان و اعتقاد ما قادر است با ایدئولوژی آنها مقابله کند. در فلسفه اسلامی از همان ابتدا مسئله کسانی مطرح شده است که وجود خدا را انکار می‌کرده‌اند. ما هیچ‌گاه آزادی آنها را سلب نکرده و به آنها لطمه وارد نیآورده‌ایم. هر کس آزاد است که اظهار عقیده کند و برای توطئه کردن آزاد نیست.»

برایند سخنان فوق نشان می‌دهد رویکرد انقلاب اسلامی و رهبران آن در قبال تکثر آرا ارائه نظرات مخالف قرائت رسمی، رویکرد